

بررسی جنگ شناختی و جهاد تبیین در گزارش قرآنی

داستان حضرت موسی علیه السلام و دلالت‌های آن در عصر حاضر*

جواد رقیوی**

چکیده

جهاد تبیین و جنگ شناختی که امروزه وارد اصطلاحات فرهنگی و سیاسی شده است ریشه در آموزه‌های دینی و قرآنی دارد. نمونه روشن جنگ شناختی و جهاد تبیین را می‌توان در مواجهه حضرت موسی علیه السلام با فرعون مشاهده کرد. بر اساس گزارش قرآن، هر دو طرف در ابتدای مواجهه از ابزار جنگ شناختی برای تفوق بر طرف مقابل استفاده کردند و در نهایت در مقابل تهمت‌ها و دسیسه‌های فرعون، حضرت موسی علیه السلام از طریق جهاد تبیین درصدد مقابله با این توطئه‌ها برآمده‌اند. با بررسی صورت گرفته، نمونه‌های فراوانی از مشابهت و قرابت بین رویداد تقابل موسی علیه السلام و فرعونیان و بین انقلاب اسلامی ایران و مستکبران معاصر به دست آمده است، نظیر تخریب شخصیت، تردیدافکنی در اصول، استفاده از حربه تمسخر از طرف جبهه باطل و مانند تبیین حقایق در قالب حرکت سازمانی، تغییر موضع از دفاع به تهاجم و... از طرف جبهه حق. در این مقاله به روش توصیفی، تحلیلی نسبت کارکرد مؤلفه‌های جهاد تبیین در جنگ شناختی در این دور رویداد مهم تاریخی مورد بررسی قرار گرفته است و این نتیجه به دست آمده است که نحوه تقابل حضرت موسی علیه السلام با فرعون نمونه مناسبی برای مواجهه با استکبار جهانی در عصر حاضر است که در بخش‌هایی از جهان معاصر این تقابل به فعلیت رسیده است و در مواردی نیازمند الگوپذیری و تلاش بیشتر است.

کلید واژه‌ها: جنگ شناختی، جهاد تبیین، موسی، فرعون، انقلاب اسلامی، تقابل.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۱۶ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۴/۱۳ - سطح مقاله: علمی، پژوهشی.

** گروه فلسفه و کلام، نمایندگی خراسان، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران/

۱. ادبیات تحقیق

۱.۱. جنگ شناختی:^۱

امروزه شاهد ورود اصطلاحات جدید در دایره واژگان ادبیات سیاسی هستیم که نشان از تعریف قلمروهای نو در عرصه جنگ و دفاع است. از جمله این‌ها جنگ نرم و یک نوع خاص آن با عنوان جنگ شناختی است. برای جنگ حوزه‌های مختلفی بیان شده است مانند جنگ زمینی، هوایی، دریایی و فضایی. جنگ شناختی در حال حاضر به عنوان حوزه خاص خود در جنگ مدرن دیده می‌شود و می‌توان آن را زیر مجموعه جنگ در فضای مجازی یا جنگ سایبر دانست و حوزه سایبری همه آن‌ها را به هم متصل می‌کند. (Bernard Claverie, François Du Cluze, 2022, p2)

در تعریف جنگ شناختی گفته شده است:

شکلی غیر متعارف از جنگ است که از ابزارهای سایبری برای تغییر فرایندهای شناختی دشمن، استفاده از سوگیری‌های ذهنی یا تفکر انعکاسی طرف مقابل و برانگیختن انحرافات فکری، تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری و ممانعت از عمل، با اثرات منفی، چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی، استفاده می‌کند. (همان)

جنگ شناختی به معنای تلاش برای غلبه بر دشمن در حوزه تغییر باورها و شناخت‌ها و ایجاد ادراک و باور مورد نظر است. به عبارتی جنگ شناختی نوعی مبارزه نرم برای مقابله با ذهنیات جامعه هدف و جایگزین باورها علیه طرف متخاصم است. معرکه و کارزار در جنگ شناختی، افکار عمومی است.

در واقع، جنگ شناختی در قلمرو ذهن و ادراک اتفاق می‌افتد و هر طرف سعی می‌کند ذهن افراد جامعه را به تسخیر درآورده، آن را با باورها و مفاهیم مورد قبول خود بازسازی نماید.

در جنگ شناختی، تأکید بر راه‌های عقلانی نیست، بلکه از هر ابزاری که بتوان فضای ذهنی و شناختی طرف مقابل را در اختیار گرفت و تحت تأثیر قرار داد استفاده می‌شود. بدین جهت است که احساسات و عواطف جایگاه ویژه‌ای در جنگ شناختی پیدا می‌کنند، زیرا عموم مردم بیش از آنکه گوش به فرمان عقل و استدلال باشند متأثر از احساسات و عواطف‌اند، لذا احساسات و عواطف می‌توانند از ابزار مهم در جنگ شناختی باشند. بنابراین در جنگ شناختی، اندیشه‌ها، باورها و احساسات و عواطف افراد طرفدار رقیب مورد هجمه قرار می‌گیرد و هر طرف تلاش می‌کند باورها و مقبولات توده مردم و حتی اعضای جبهه مقابل را آن‌گونه که به نفع خود است تغییر دهد.

۲.۱. شاخصه‌های جنگ شناختی

جنگ شناختی دارای خصوصیتی است که سبب تمایز آن از دیگر انواع جنگ می‌شود؛ تمایز این نوع جنگ با دیگر انواع جنگ در قلمرو، ابزار، اهداف و... است. شاخصه‌های این نوع جنگ را می‌توان به صورت ذیل برشمرد:

۱. تلاش برای تغییر فرایندهای شناختی:

به خلاف جنگ‌های فیزیکی که میدان عمل، عرصه خارج است و تلاش می‌گردد افراد و تجهیزات حریف منهدم گردد، در جنگ شناختی این ذهن و شناخت دشمن است که معرکه کارزار و مورد هجوم است.

۲. اصالت افکار عمومی:

در جنگ‌های متعارف، تغییر افکار عمومی مقدمه برای پیروزی و غلبه بر حریف است، ولی در جنگ شناختی تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تغییر آن به نفع خود عین پیروزی است، لذا در این نوع جنگ، تحت تأثیر قرار دادن ذهنیت عمومی جامعه و تغییر نگرش در مخاطب اصالت می‌یابد.

۳. تاکتیک‌ها:

شاخصه دیگر جنگ شناختی در نوع تاکتیک‌هایی است که مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این جنگ هیچ تلاشی برای حذف فیزیکی حریف صورت نمی‌گیرد، بلکه از هر ابزاری که بتوان فضای ذهنی و شناختی طرف مقابل را در اختیار گرفت و تحت تأثیر قرار داد استفاده می‌شود.

۴. تجهیزات و مهمات:

این جنگ به لحاظ تجهیزات و مهمات مورد استفاده نیز از جنگ‌های متعارف متمایز می‌گردد. انواع شایعات، اخبار واقعی و غیر واقعی، تهمت و افتراء، گلوله‌هایی است که با تجهیزاتی مانند شبکه‌های اجتماعی، ماهواره، اینترنت و هرگونه رسانه‌های جمعی به سوی ذهن و باورهای دشمن شلیک می‌شود تا آثار مطلوب شناختی را چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی ایجاد نماید.

۵. حذف مرزهای خودی و غیر خودی:

درحالی‌که در جنگ‌های متعارف جبهه مقابل در معرض حمله و اصابت گلوله و تخریب قرار دارد، در جنگ شناختی ذهنیت جامعه به صورت مطلق مورد بمباران تبلیغاتی قرار می‌گیرد؛ اعم از اینکه مخاطب در جبهه خودی باشد یا در جبهه مقابل. در واقع در این گونه جنگ هدف این نیست که فقط ذهن مخاطب متخاصم را تغییر داد، بلکه باید تغییر نگرش در همه مردم به وجود آید و نگاه مخاطب نسبت به حریف منفی گردد، چه آن مخاطب دشمن باشد و چه دوست.

۶. اهداف:

اهداف مهم دشمن در جنگ شناختی عبارت‌اند از: اعتمادزدایی، ناامیدسازی جامعه، ناکارآمد نشان دادن حاکمیت، از بین بردن مشروعیت‌های جامعه و زیر سؤال بردن اعتبار نظام و نالایق نشان دادن حاکمیت.

در میزگردی که با هدف بررسی ابعاد جنگ شناختی در ناتو برگزار شد این خصوصیات به عنوان شاخصه‌های جنگ شناختی مطرح شده است:

بی‌اعتمادی به نظام، دستگاه حزب حاکم؛ برای این منظور تلاش می‌شود با برجسته کردن نقاظ ضعف و اشتباهات گروه حاکم، چنین القاء گردد که نظام یا گروه حاکم هیچ توفیقی در اداره جامعه نداشته است. (Bernard Claverie, 2022, p5)

۷. مشخص نبودن زمان آغاز و اتمام:

از مهم‌ترین شاخصه‌های جنگ شناختی این است که به خلاف جنگ‌های متعارف فیزیکی، جنگ شناختی آغاز و پایانی نامعلوم دارد. ممکن است در جامعه مدت‌ها از آغاز جنگ شناختی گذشته باشد و میلیون‌ها نفر قربانی این نوع جنگ شده باشند، ولی هنوز برای اکثر مردم شروع جنگ محرز نباشد و ممکن است مدت‌ها از اتمام جنگ گذشته باشد ولی تأثیرات گلوله‌ها و تخریب‌های این جنگ ادامه داشته باشد.

۸. نامشخص بودن میزان خسارت و تلفات:

در جنگ‌های متعارف می‌توان با محاسبه مقدار صدمات جانی، جسمی و مالی میزان خرابی و خسارت را محاسبه کرد، ولی در جنگ شناختی معیار دقیقی برای برآورد میزان خسارت‌ها و خرابی‌های آن نیز وجود ندارد.

۲. جهاد تبیین:

اصطلاح جهاد تبیین نخستین بار در سخنان مقام معظم رهبری مطرح و وارد ادبیات سیاسی و فرهنگی جهان اسلام گردید و امروزه در سطح بسیار وسیعی مورد استفاده اندیشمندان و محققان است. (۱۸/۰۵/۱۳۶۳) پیام کنگره بین المللی امام رضا (ع)

ایشان در پیامی که به کنگره بین المللی امام رضا (ع) در سال ۱۳۶۳ فرستادند از تبیین به عنوان هدف مهمی برای جهاد اهل بیت (ع) یاد نمودند:

بی‌شک تبیین و تفسیر دین با دیدگاه مخصوص اهل بیت وحی، و رفع تحریف‌ها و کج‌فهمی‌ها از معارف اسلامی و احکام دینی نیز هدف مهمی برای جهاد اهل بیت به حساب می‌آید. (همان)

ولی در سال‌های اخیر با توجه به هجوم رسانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و تلاش دشمنان برای تحریف واقعیت‌ها تبیین را نوعی جهاد معرفی نمودند:

آنچه وظیفه همه ملت اسلام و همه امت اسلام است، مبارزه برای روشنگری است... این روشنگری جهاد است. جهاد فقط شمشیر گرفتن و جنگ کردن در میدان قتال نیست، جهاد شامل جهاد فکری، جهاد علمی، جهاد تبیینی و تبلیغی و جهاد مالی است. (بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر مسابقات بین المللی قرآن کریم: ۱۳۹۵/۰۲/۲۹)

ایشان در کلامی دیگر، جهاد تبیین را جهاد عظیم این روزگار معرفی نمودند. (بیانات در دیدار با مداحان اهل بیت: ۱۴۰۰/۱۱/۳)

ایشان در ضمن سخنرانی ۱۹ اسفند ۱۴۰۰ فرمودند: «بایستی در جهاد تبیین راه پیشرفت و تعالی مادی ملت از بیراهه‌ها و کج‌راه‌ها جدا شود». (بیانات در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری)

در کلام مقام معظم رهبری، تبیین به معنای روشنگری و بیان حقیقت و نشان دادن واقعیت است. هدف و مقصود در تبیین زدودن غبار بدفهمی، تحریف و کج فهمی از مفاهیم و معارف انقلاب اسلامی و همچنین مقابله روشنگرانه با تحلیل‌های نادرست، غلط و مغرضانه از رویدادها و پیشگیری از تحریف و دریافت نادرست است؛ در نتیجه تبیین در جهت روشنگری است، بدون اینکه بخواهیم مطلبی را توجیه کنیم یا امر نادرستی را درست جلوه دهیم.

بر اساس فرمایشات رهبر انقلاب جهاد تبیین به مثابه کارآمدترین راهبرد در مقابله با جنگ شناختی است که از دو مؤلفه تلاش و روشنگری شکل گرفته است. واژه «جهاد» در این اصطلاح از ریشه «جهد» به معنای تلاش و کوشش جدی گرفته شده و هم‌سنخ با جهادی است که در اسلام در حوزه‌های نفسی، اقتصادی و حتی نظامی مطرح است. بنابراین جهاد تبیین تلاش و کوششی مجدانه در برابر دشمن است که هدف آن روشنگری در جامعه و ذهن افراد نسبت به واقعیات است.

بنا بر مبانی اسلامی، روش و ابزار تبیین محدود به حدود شرع و اخلاق است و در جهاد تبیین نمی‌توان از هر وسیله‌ای برای تغییر ذهنیت دیگران و تأثیرگذاری بر فهم و درک دیگران بهره برد. مقام معظم رهبری، هم‌زمان با تأکید بر اصل جهاد تبیین بر رعایت اصول اخلاقی این امر مهم نیز تأکید می‌نمایند:

البته اصل قطعی در این باب (جهاد تبیین) این است که بایستی از شیوه اخلاقی در این کار پیروی کرد. از این کاری که بعضی‌ها در فضای مجازی یا در مطبوعات و در مقاله‌ها و اینجا و آنجا انجام می‌دهند که با دشنام، با تهمت و فریب و دروغ با افکار عمومی مواجه می‌شوند، باید به شدت اجتناب کرد. (بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی: ۱۴۰۰/۷/۵)

۲.۱. شاخصه‌های جهاد تبیین

با توجه به تناظر جهاد تبیین با جنگ شناختی، لازم است در جهاد تبیین در مقابل هر شاخصه جنگ شناختی، عکس‌العملی از همان سنخ برگرفته شود. بنابراین، در جهاد تبیین محور تلاش بیان حقایق و قلمرو جهاد حوزه ادراک و شناخت است. پس در جهاد تبیین نیز به تناسب جنگ شناختی میدان و کارزار نبرد ذهن جامعه و افکار عمومی است نه عرصه خارج و فضای فیزیکی. با این حال به دو نکته باید توجه کرد؛ نخست آنکه در جهاد تبیین، اولویت با روشنگری افراد خودی و جامعه همسو و محافظت از باورهای درست آن‌هاست و در مرحله دوم این مهم در عرصه ذهن و افکار افراد دشمن مورد اهتمام است.

دوم آنکه به اقتضای ماهیت جهاد تبیین که خاستگاهی دینی داشته و همان طور که گفته شد (ذیل عنوان جهاد تبیین) برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری آیت الله خامنه‌ای است که خود ریشه در آموزه‌های قرآنی دارد، رعایت قلمرو اخلاق در این جهاد ضرورت دارد. بنابراین به خلاف جنگ شناختی نمی‌توان از هر ابزاری برای رسیدن به هدف استفاده کرد و رزمندگان این جهاد ملزم به رعایت موازین اخلاقی و انسانی هستند.

۳. سابقه جنگ شناختی و جهاد تبیین در تاریخ انبیاء

بنا بر نقل‌های قرآنی، نمونه‌هایی از جنگ شناختی را می‌توان در جبهه باطل مشاهده کرد که توسط کفار و مستکبران و اشراف به منظور مقابله با دعوت انبیاء صورت گرفته است. در مقابل، نخستین مواجهه انبیاء با مخالفان که عموماً مستکبران و اشراف بوده‌اند از نوع جهاد تبیین است. در ادامه به نمونه‌هایی از این مواجهه اشاره می‌گردد.

در آیاتی از سوره اعراف، موضع‌گیری اشراف و مخالفان حضرت نوح با دعوت این پیامبر الهی و نحوه مقابله آن حضرت حکایت شده است. طبق گزارش قرآن کریم اشراف جامعه در مقابل دعوت حضرت نوح علیه السلام به وی نسبت گمراهی دادند؛ «اشراف قومش به او گفتند: «ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم!» (اعراف: ۶۰)

روشن است که در ورای این نسبت، نوعی نسبت ساده لوح بودن و ارتجاع به پیروان انبیاء وجود دارد. این مطلب از مفهوم وصف «آشکار» که به گمراهی افزوده شده استفاده می‌شود. (قرآنی، ۱۳۸۸: ۳/۸۸)

عکس‌العمل حضرت نوح علیه السلام در مقابل این برخورد اشراف نمونه‌ای از جهاد تبیین است، زیرا حضرت نوح علیه السلام در مقابل آن‌ها صبورانه خود را ناصح معرفی نموده و هرگونه گمراهی را از خود و دعوت خود نفی فرموده است و در عین حال با ذکر خصوصیاتمانند اینکه او ابلاغ‌کننده رسالت پروردگار است و از ناحیه خدا به حقایق علم دارد که آن‌ها از آن بی‌خبرند به روشنگری پرداخته است (اعراف: ۶۲-۶۱)

همچنین مخالفان حضرت هود علیه السلام نیز به او نسبت سفاهت و گمراهی دادند و گفتند: «ما تو را در سفاهت می‌بینیم، و ما مسلماً تو را از دروغ‌گویان می‌دانیم!» (اعراف: ۶۶) در مقابل، هود علیه السلام با یادآوری اینکه او فرستاده پروردگار است، به آنان گفت: «آیا تعجب کرده‌اید که دستور آگاه‌کننده پروردگارتان به وسیله مردی از میان شما به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد؟! و به یاد آورید هنگامی که شما را جانشینان قوم نوح قرار داد؛ و شما را از جهت خلقت گسترش (و قدرت) داد؛ پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!» (اعراف: ۶۷-۶۹)

از سخنان حضرت هود علیه السلام استفاده می‌شود مخالفان چنین باور داشتند یک انسان معمولی که همواره در میان مردم بوده و با آنان نشست و برخاست داشته است نمی‌

تواند پیامبر خدا باشد. آن حضرت با این پاسخ تلاش نمود شبهه‌ای را که آنان در بین توده مردم القاء می‌کردند و شاید خود نیز به آن باور داشتند، برطرف نماید.

۳. ۱. نمونه جنگ شناختی و جهاد تبیین در مواجهه موسی علیه السلام و فرعون

پس از آنکه حضرت موسی علیه السلام به به دستور خداوند به سوی فرعون می‌رود و فرامین و دعوت الهی را به وی و اطرافیان او می‌گوید، فرعون دست به تغییر افکار مردم نسبت به وی زده است. فرعون احساس خطر می‌کند، لیکن با اینکه توان برخورد قهرآمیز دارد شروع می‌کند به کار بردن روش‌های عملیات روانی. با استفاده از آیات قرآن می‌توان مجموعه اقدامات نرم فرعون در مواجهه با حضرت موسی علیه السلام را برشمرد:

۳. ۱. ۱. تخریب شخصیت

نخستین اقدام وی تخریب ذهن توده نسبت به شخصیت حضرت موسی علیه السلام است. نظیر حرکتی که در جریان حضرت نوح و حضرت هود اتفاق افتاده بود؛ یعنی نوعی برچسب زدن که باعث تنزل شخصیت پیامبر خدا در نزد مردم گردد.

قرآن برخورد فرعون در مقابل دعوت موسی علیه السلام را این گونه حکایت نموده است:

«قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ * وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ». (شعراء: ۱۹-۱۸)

(فرعون) گفت: «آیا ما تو را در کودکی در میان خود پرورش ندادیم، و سال‌هایی از زندگی‌ت را در میان ما نبود؟! و سرانجام، آن کارت را (که نمی‌بایست انجام دهی) انجام دادی (و یک نفر از ما را کشتی)، و تو از ناسپاسانی!».

در سخن فرعون سه تعریض نسبت به حضرت موسی علیه السلام وجود داشت؛ نخست اینکه این گونه القاء می‌کرد با توجه به اینکه ما تو را می‌شناسیم رسالت و پیامبری تو امر عجیبی است، دوم اینکه تو پیش از این دست به کشتار و قتل زده‌ای و در مرحله

سوم اظهار نوعی منت و نسبت ناسپاسی به حضرت موسی علیه السلام بود. (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۶۲/۱۵)

۳. ۱. ۲. تردید افکنی در ادعای نبوت حضرت موسی علیه السلام

فرعون با دو جمله، نبوت موسی را زیر سؤال برد؛ تو نزد ما قاتل هستی و قاتل نمی‌تواند پیامبر باشد. ما تو را بزرگ کردیم، چگونه الطاف ما را کفران و ناسپاسی می‌کنی! انسان ناسپاس نمی‌تواند پیامبر باشد. آیات بعد پاسخ موسی را بیان کرده است. (قرآنی، ۱۳۸۸: ۳۰۲/۶)

در سخن فرعون که گفت: «و سال‌هایی از زندگی‌ات را در میان ما بودی»، نوعی تردیدافکنی در مشروعیت و صلاحیت موسی علیه السلام برای رسالت، هدایتگری و اصلاح جامعه بود. نظیر آنچه امروزه تحت عنوان زیر سؤال بردن صلاحیت احزاب و افراد برای اداره جامعه مطرح است. گویا فرعون به دیگران این معنا را القاء می‌کرد که ما همه، موسی را می‌شناسیم و می‌دانیم او فضیلتی ندارد، زیرا او سالیان سال در بین ما بوده، نه استادی دیده و نه ریاضتی کشیده، پس چگونه به پیامبری برگزیده شده است؟! پس امتیازی برای انتخاب به عنوان پیامبر یا مصلح در او وجود ندارد. آن‌گاه با تهمت فسادانگیزی این تردید افکنی را تکمیل کرد و گفت: «تو بودی که آن کار را کردی» و با ابهام در کار قتلی که بر دست حضرت موسی علیه السلام واقع شده بود، آن اقدام را که در دفاع مظلوم بود و ناخواسته منجر به قتل فرد ظالم گردیده بود، کاری فسادانگیز جلوه داد. (ر.ک: سلطان علی شاه، ۱۴۰۸: ۱۵۳/۳)

۳. ۱. ۳. تحلیل نادرست از حوادث زندگی رقیب:

فرعون به جای آنکه درباره درستی یا نادرستی دعوت موسی علیه السلام سخنی بگوید، رفتاری از گذشته وی را مطرح نمود که از نظر او می‌توانست نقطه ضعفی در زندگی موسی باشد، لذا پس از آنکه سعی کرد خود را به مثابه پدر و ولی موسی علیه السلام حق

به جانب معرفی کند، گفت تو همانی هستی که یک نفر را کشتی و سپس فرار کردی. این نوعی نسبت جانی بودن و شرارت به فرستاده خداوند بود. فرعون در ورای این نسبت این معنا را القاء می کرد که تو خلافاکاری، ناسپاس هستی که علی رغم اینکه ما تو را بزرگ کردیم دست به قتل زده ای و متواری شده ای و اکنون به عنوان اصلاح گر و منجی دعوی رهایی بنی اسرائیل را داری! و می خواهی انقلاب و کودتا کنی؟! طبیعی است چنین نسبت ناروایی که در واقع تحلیل نادرست از واقعه ای بود که در زندگی حضرت موسی علیه السلام اتفاق افتاده بود می توانست تأثیر مخربی بر ذهن و اندیشه توده مردم داشته باشد. فرعون می خواست فضایی را به وجود بیاورد که تصویر یک آشوب طلب و به تعبیر امروزه، کودتاچی از حضرت موسی علیه السلام در ذهن مردم به وجود آید؛ این همان چیزی است که امروزه از آن به عنوان «جنگ شناختی» نام برده می شود.

۳. ۱. ۴. استفاده از حربه تمسخر و هوچی گری

فرعون از حربه تمسخر برای شوراندن افکار عمومی علیه حضرت موسی نیز استفاده کرد. هنگامی که موسی علیه السلام به تشریح رسالت خود پرداخته و در پاسخ به پرسش های فرعون صفات خداوند را بیان کرد، فرعون گفت: «... إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ» (شعراء: ۲۷)

«پیامبری که به سوی شما فرستاده شده مسلماً دیوانه است!»

در این کلام فرعون، نوعی تمسخر نسبت به موسی علیه السلام و پیروان او وجود دارد، زیرا فرعون پیامبری آن حضرت را انکار می کرد، ولی در عین حال از تعبیر رسول استفاده کرد. گویا می خواست بگوید این پیامبری که نصیب شما شده مجنون از کار درآمد!

۳. ۱. ۵. اتهام آشوب‌طلبی و اخلال در نظم اجتماعی و اقدام علیه امنیت ملی

فرعون با توطئه‌گر خواندن موسی علیه السلام و ساحران، براندازی حکومت فرعونیان و بیرون راندن ایشان را از پایتخت مصر، از اهداف توطئه آنان شمرد. (رفسنجانی، بی تا: ۱۳۵/۶)

این اقدام، نوعی برجسب‌زنی بود که وقتی فرعون در مقابل معجزات قرار گرفت و از طریق استدلال کاری از پیش نبرد، گفت موسی ساحر است. نکته قابل توجه این است که فرعون به این دلیل موسی را ساحر خواند که مردم آن روز نسبت به سحر و جادو کاملاً شناخت داشتند و ساحران طبقه‌ای تأثیرگذار در جامعه مصر بودند. علاوه بر این، فرعون با این برخورد در واقع، به حضرت موسی اتهام اقدام علیه امنیت ملی زد؛ یعنی توطئه‌ای سازمان‌یافته با کمک ساحران برای بیرون راندن مردم از مصر.

در آیات دیگر، انواع تهمت‌ها و افتراها نسبت به حضرت موسی علیه السلام از ناحیه فرعون و هوادارن وی نقل شده است.

۴. راهبرد جهاد تبیین در سیره حضرت موسی علیه السلام

با استفاده از آیات قران کریم مشخص می‌گردد حضرت موسی علیه السلام با رفتاری هوشمندانه ضمن فراهم کردن تمهیدات لازم در کنار استعانت از ذات باری تعالی دست به اقداماتی زده است که می‌توان آن‌ها را مصداق جهاد تبیین دانست. راهبردهای حضرت موسی علیه السلام در مقابل اقدامات فرعون را می‌توان تحت عناوین ذیل دسته‌بندی کرد:

۴.۱. حرکت سازمانی و تشکیلاتی

بنا بر آنچه درباره ویژگی‌های جنگ شناختی و جهاد تبیین گفته شد می‌توان اقدامات فرعون را مصداق جنگ شناختی برای تغییر نگرش جامعه نسبت به حرکت اصلاحی حضرت موسی و در مقابل، راهبردهای حضرت موسی را نوعی جهاد تبیین برای مقابله با جنگ شناختی فرعون دانست. آغاز حرکت حضرت موسی برای مقابله با جبهه کفر و استعمار، همراه تمهید مقدماتی است که بسیار قابل توجه است. حضرت ابتدا از خداوند طلب شرح صدر نموده‌اند. (طه: ۲۵) یعنی توجه به اینکه این مسیر صعبی است و باید برای تحمل سختی‌ها و تهمت‌ها بردبار بود؛ یعنی به مؤمنان می‌آموزد که در هر عصری برای توفیق در دفاع از حق، باید شرح صدر داشت و یاد بگیریم که تحمل نماییم.

در خواست دیگر آن حضرت، بیان فصیح و شیواست. (طه: ۲۷ و ۲۸) و از آنجا که برادرش هارون را شیواتر از خود می‌داند از خداوند می‌خواهد که او را با وی همراه کند، زیرا حضرت هارون فصیح‌تر صحبت می‌کند و فن بیان قوی‌تری دارد در نتیجه قدرت عملیات روانی بیشتری دارد.

در خواست مهم دیگر موسی علیه السلام این است که می‌خواهد هارون خلیفه و جانشین او باشد (طه: ۳۰-۲۹) این درخواست حضرت موسی از خداوند ابزار جهاد تبیین در مواجهه با جنگ شناختی فرعون است.

در نهایت، مهم‌تر از همه اینکه موسی علیه السلام این‌ها را از خداوند تقاضا نموده است؛ یعنی تأثیر و کارآمدی این ابزار جز با مشیت الهی ممکن نیست و این تدبیری است که او دارد اما نتیجه را خداوند رقم خواهد زد. این درخواست‌های حضرت موسی از خداوند بیانگر نگاه هوشمندانه وی به حرکتی است که می‌خواهد انجام دهد. ورود به جهاد تبیین آن‌گاه نتیجه بهتری خواهد داشت که سازماندهی شده باشد.

توصیه خداوند به حضرت موسی نیز بیانگر یکی از تاکتیک‌های مهم در جهاد تبیین است. خداوند دستور داد که با فرعون نرم سخن بگوید: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» (طه: ۴۴) کما اینکه خداوند یکی از اسباب موفقیت دعوت پیامبر اسلام ﷺ را نیز اخلاق و سخن نرم دانسته است. (آل عمران: ۱۵۹)

مقابله حضرت موسی دقیقاً بر اساس طراحی یک عملیات روانی صورت پذیرفته است. از اینکه آغاز ماموریت موسی ﷺ دعوت از خود فرعون است، استفاده می‌شود که در مقابله با فضایی که دشمن ایجاد کرده است لازم است از رأس جریان آغاز کرد و هجمه را متوجه مرکز ثقل جریان رقیب نمود.

حضرت موسی در مقابل منتهی که فرعون بر وی گذاشت گفت: آیا این منتهی است که تو بر من می‌گذاری که بنی اسرائیل را برده خود ساخته‌ای؟! (شعراء: ۲۲) این سخن در عین اینکه دفع استحقاق منت نهادن فرعون بود نیت پنهان فرعون را نیز آشکار می‌کرد و آن به بردگی کشیدن بنی اسرائیل بود.

۲.۴. موضع تهاجمی به جای دفاع

بر اساس قواعد منطق، در مقام مناظره آن‌که در موضع سائل است فرصت بیشتری برای تفوق و غلبه دارد تا کسی که در موضع مجیب است. (حلی، ۱۳۷۱: ۲۳۲)

دلیل این امر این است که در مناظره علمی ابتکار عمل در دست کسی است که پرسش‌ها را مطرح می‌کند و آن‌که در مقام پاسخگویی است باید بر اساس آنچه سائل طرح می‌کند عکس‌العمل نشان دهد.

احتمالاً می‌توان این قاعده را به قواعد نظامی هم تسری داد. مخصوصاً در جنگ شناختی که از سنخ کلام و منازعات کلامی است، لذا اقدام بعدی موسی ﷺ این بود که موضع تهاجمی بگیرد و نسبت به محوری‌ترین مدعای فرعون ایجاد تردید و

تزلزل کرد. فرعون با ادعای خدایی مردم را تحت سیطره خود کشیده بود (نازعات : ۲۴) و حضرت موسی خود را به عنوان فرستاده پروردگار جهانیان معرفی کرد. در ابتدا این فرعون بود که از موسی علیه السلام سؤال می کرد، ولی حضرت با معرفی رسالت خود به صورت ایجابی به معرفی خداوند و و مبدأ و معاد انسان پرداخت. (طه: ۵۴-۵۱)

در سوره شعراء نیز پس از آنکه فرعون پرسش‌هایی را طرح کرد حضرت موسی مطالبی را بیان می کند که فراتر از پرسش فرعون است و این به معنای گذار از موضع «مجیب» به موضع «سائل» است.

حضرت در آیه ۳۹ رسماً فرعون را به پرسش گرفته است: «قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ». (شعراء: ۳۰)

(موسی) گفت: «حتی اگر نشانه آشکاری برای تو بیاورم (باز ایمان نمی آوری)؟!»

۳.۴. علنی کردن دعوت

حضرت موسی می توانست در یک مجلس خصوصی به ملاقات فرعون رفته و او را از رسالت خود آگاه نماید، لیکن گزارش قرآن از این ماجرا نشان می دهد که حضرت موسی و فرعون در خفا صحبت نکرده اند، بلکه مناظره با حضور مردم انجام شده است. به تعبیر امروز این ملاقات علنی و رسانه‌ای صورت گرفته است و بدون تردید این تأثیر مثبتی در هدایت افکار عمومی به نفع حضرت موسی داشته است.

۴.۴. استفاده از اصل غافلگیری در تثبیت مدعا

موسی علیه السلام پس از آنکه در اجتماعی که ظاهراً از اشراف و توده مردم در آن حضور داشتند، پیام اصلی خود را بیان کرد و فرعون را در شرایطی قرار داد که گریزی از اذعان به درستی دعوت او نداشته باشد. برای موسی علیه السلام روشن بود که در مقابل

معجزات الهی هیچ نیرویی مقاومت نمی‌کند و شکست فرعون حتمی است، لذا با استفاده از اصل غافلگیری به فرعون گفت: اگر می‌توانی مثل این معجزات را بیاور. هنگامی که ساحران شکست خوردند فرعون مذبحخانه حضرت را ساحر توانایی خواند که این اعمالش چیزی جز سحر نیست. این همانند استراتژی حضرت ابراهیم در مواجهه با مشرکان و بت پرستان بود؛ یعنی ایجاد تردید و روبه روی منطق قرار دادن و در نهایت تثبیت این جریان شناختی.

جهاد تبیین حضرت موسی در اینجا پایان نگرفت، بلکه بعد از نجات بنی اسرائیل نیز ادامه یافت. جهل بنی اسرائیل پدیده‌ای نبود که با دیدن چند معجزه درمان گردد، لذا بعد از آنکه حضرت موسی بنی اسرائیل را نجات می‌دهد و از رود نیل عبور کردند و فرعون و فرعونیان هلاک گردیدند، درخواست‌های نامعقول بنی اسرائیل آغاز شد. بررسی روش مواجهه حضرت موسی با این قوم بهانه‌جو مجالی دیگر می‌طلبد و مستلزم تحقیقی جداگانه است که توصیه می‌شود توسط پژوهشگران مورد اهتمام قرار گیرد. در چنین تحقیقی فضای خاص دوران رسالت حضرت موسی پس از نجات بنی اسرائیل باید مورد توجه باشد و مباحثی مانند موانع جهاد تبیین، تنزه‌طلبی، بی‌تفاوتی، محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری از مسائل آن خواهد بود.

۵. دلالت‌های گزارش قرآنی مواجهه موسی علیه السلام با فرعون در جنگ شناختی آمریکا علیه ایران

نگاهی گذرا به اقدامات دولت آمریکا علیه انقلاب اسلامی ایران، به روشنی نشان می‌دهد که راهبرد ایالات متحده نسبت به ایران چرخشی محسوس از اقدامات براندازنه فیزیکی به سوی جنگ تمام عیار شناختی داشته است. جنگ هشت ساله‌ای که آمریکا علیه ایران سازماندهی کرد اوج تلاش این کشور برای به زانو در آوردن ایران از طریق جنگ سخت و اقدام فیزیکی بود. لیکن با بی‌نتیجه ماندن این اقدامات، تمرکز آمریکا در قبال ایران بر جنگ نرم و نوع خاص آن یعنی جنگ

شناختی قرار گرفت. بدون تردید ایران یکی از اهداف، بلکه مهم‌ترین هدف آمریکا در جنگ شناختی است.

آمریکایی‌سازی، توسعه فرهنگ آمریکایی و در نهایت رهبری جهان از سیاست‌های آشکار در برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌های ایالت متحده آمریکا است. بنا بر اعلام کمیسیون امنیت ملی آمریکا، حرکت رو به صعود آمریکا تا سال ۲۰۲۵ مبنای این برنامه‌ریزی‌ها و استراتژی‌هاست. (کمیسیون تدوین امنیت ملی آمریکا، ۱۳۸۳: ۲۲)

با این حال تغییر اوضاع جهانی و برهم خوردن موازنه قدرت، امری پیش‌بینی ناپذیر نیست و در این میان ایران یکی از دل‌نگرانی‌های اصلی برنامه‌ریزان و سیاست‌مداران آمریکایی است.

در آمریکا اتاق فکرها و مؤسسات متعدد پژوهشی در حال فعالیت در راستای شناخت ایران و برنامه‌ریزی سیاست‌های مخاصمه‌جویانه علیه ایران هستند. (ر.ک: پوستین‌چی، ۱۳۹۱(الف): ۱۲۱)

از منظر بسیاری از پژوهشگران این مؤسسات، نظام سیاسی که با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ ظهور کرد، مشکل اصلی در مقابل سیاست‌های سلطه‌جویانه آمریکاست. مایکل لدین^۱ یکی از تحلیلگران مؤسسه امریکن اینترپرایز می‌نویسد:

تمامی مشکلات آمریکا از این رژیم (ایران) است. اگر ایران را تغییر بدهی، مشکل هسته‌ای قابل مدیریت می‌شود، اما اگر اجازه دهیم ملاحدها در جای خود باشند، آن‌گاه سلاح‌های هسته‌ای به طور مستقیم ما و دوستان و متحدانمان را تهدید خواهد کرد. بدین ترتیب مخاطرات جنگ تروریستی که در سال ۱۹۷۹

1. Michael Ledeen.

با آمریکا آغاز شده است افزایش خواهد یافت. (پوستین چپی، ۱۳۹۳ ب):

(Ledeen, 2008: 13 به نقل از ۵۱)

تحلیلگران سیاسی حسب تمایل و گرایش‌های سیاسی اسباب مختلفی را به عنوان خاستگاه دشمنی سیاسی ایران و آمریکا بر شمرده‌اند، لیکن بدون تردید تضاد ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی با آرمان‌های لیبرال دموکراسی یکی از اسباب مهم دشمنی آمریکا با ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. (ر.ک: سعیدی فاضل، ۱۳۹۵: ۴۱۸)

جنگ روانی علیه کشورهای رقیب از سیاست‌های کهنه دولت‌های آمریکاست با این حال تمرکز بر این روش و هجمه سنگین سال‌های اخیر در قالب جنگ شناختی علیه ایران ریشه در ناکامی وی در راهبردهای نظامی است. از برژینسکی (مشاور امنیت ملی کارتر) نقل شده است:

کشوری که سی و چند سال تحت شدیدترین فشارها و تحریم‌ها بوده است، اکنون با این همه مشکلات رتبه ۱۷ اقتصاد جهانی است، دانش هسته‌ای را نهادینه کرده، در سلول‌های بنیادی جزو پیش‌قراولان جهان است و خاورمیانه کاملاً تحت نفوذ و سیطره آن‌هاست. و من اعتماد راسخ دارم این کشور با این ظرفیت‌ها و توان بومی در آینده‌ای نه چندان دور احیاگر تمدن بزرگ اسلامی، ایرانی مورد نظر آیت الله خمینی می‌شود. غرب اگر جرئت دارد ایرانی‌ها را به حال خود وانهد! نه کمکشان کنند و نه مزاحمشان شوند! آن وقت من پیرمرد حتماً امپراطوری پارس را به چشم خواهم دید. (نقاشیان، ۱۳۹۸: ۸)

تلاش کشورهای غربی و در رأس آن‌ها آمریکا در جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران متمرکز بر ناکارآمد نشان دادن مدل حکومت دینی در انقلاب اسلامی ایران است. مقام معظم رهبری بارها نسبت به این مسئله تذکر داده‌اند:

من یک جمله‌ای را از یک مقام غربی نقل کنم. بنده دأبم نیست از قول این سیاستمدارها و معاریف غربی چیزی بگویم، اما این جمله‌ی جالبی است. او می‌گوید: دو چیز است که اگر در میان مسلمان‌ها دست به دست بگردد و ملت‌های مختلف مسلمان از این دو چیز آگاه شوند، دیگر همه تابوهای غرب، یعنی اصول جزمی غرب در هم خواهد شکست و باطل خواهد شد. این دو چیز چیست؟ این متفکر غربی می‌گوید: یکی قانون اساسی جمهوری اسلامی است؛ که این قانون اساسی، یک حکومت مردمی و پیشرفته امروزی و در عین حال دینی را در چشم مسلمانان جهان ممکن می‌سازد. این قانون اساسی نشان می‌دهد که می‌توان یک حکومتی داشت که هم متجدد باشد، امروزی باشد، پیشرفته باشد و هم کاملاً دینی باشد. قانون اساسی این را تصویر می‌کند، می‌گوید چنین چیزی ممکن است. این یک؛ دوم، کارنامه موفقیت‌های علمی و اقتصادی و سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی است؛ که اگر این دست مسلمان‌ها برسد، می‌بینند که آن امر ممکن اتفاق افتاده است، واقع شده است. او می‌گوید اگر ملت‌های مسلمان از این امکان و وقوع نسبی که هم ممکن است، هم در ایران امروز اسلامی به طور نسبی واقع شده است، مطلع شوند، این نظام‌سازی را پیش چشم داشته باشند، دیگر جلوی سلسله انقلاب‌ها را نمی‌توان گرفت. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران: ۱۳۸۹/۱۱/۱۵)

در مقابل جنگ شناختی غرب، رهبر انقلاب جهاد تبیین را به مثابه کارآمدترین راهبرد مورد تأکید قرار داده اند. در واقع مواضع و سیاست‌های جمهوری اسلامی در مقابله با شیوه تهاجمی آمریکا به عنوان رأس محور ضد ایرانی، مبتنی بر جهاد تبیین است؛ به گونه‌ای که حتی کارآمدی اقدامات میدانی و نظامی باید به پشتوانه جهاد تبیین و دفع جنگ شناختی دشمن در کارزار افکار عمومی صورت پذیرد. در ادامه به نمای کلی این تقابل دو جانبه از طرف آمریکا و ایران اشاره می‌گردد. طبق گواهی تاریخ نخستین اقدامات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران از نوع نظامی بود، ولی با شکست در این نوع اقدامات متمرکز بر جنگ نرم و مخصوصاً

جنگ شناختی شد. در رفتار آمریکا در مقابل ایران در چهار دهه اخیر تمام شیوه‌های معهود در جنگ شناختی قابل مشاهده است. این موارد آنچنان آشکار است که نیازی به اثبات و ارائه مدرک ندارد. رسانه‌های غربی، صهیونیستی و سعودی سیلی از تهمت، افتراء و سخنان ناامیدکننده را به میان مردم ایران روانه کرده‌اند. هدف این بمباران رسانه‌ای همان اموری است که در بخش نخست این نوشته به عنوان اقدامات مخاصمه‌آمیز قدرت‌های باطل‌گرد در مواجهه با جبهه حق صورت گرفته است، لذا بهره‌گیری از راهبردهای مذکور سهم بسزایی در بصیرت‌افزایی و آگاهی سیاسی، افزایش امنیت ملی و در نهایت پیروزی جبهه حق و دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی خواهد داشت.

نتیجه:

بررسی صورت گرفته، نمای کلی مواجهه حضرت موسی با فرعون و فرعونیان را به دست می‌دهد. فرعون، علی‌رغم قدرت بر مواجهه نظامی و قهرآمیز با انقلاب هدایتگرانه موسی علیه السلام با توجه به اهمیت افکار عمومی برای استمرار حکومت خود، به یک‌سری اقدامات روی آورده است که در ادبیات سیاسی امروز به عنوان جنگ شناختی شناخته می‌شود. در این جنگ از انواع حرب‌ها مانند تخریب شخصیت، استهزاء و هوچی‌گری تبلیغاتی، تهمت، اتهام و... استفاده شده است. در مقابل حضرت موسی با رفتاری هوشمندانه ضمن فراهم کردن تمهیدات لازم در کنار استعانت از ذات باری تعالی دست به اقداماتی زده است که می‌توان آن‌ها را مصداق جهاد تبیین دانست. اقدامات حضرت موسی را می‌توان تحت عناوین حرکت سازمانی و تشکیلاتی، موضع‌تهاجمی به‌جای دفاع صرف و بهره‌بری از اصل غافلگیری دسته‌بندی کرد. روشن است با توجه به مقام عصمت حضرت موسی و با در نظر داشت شرایط و محیط می‌توان دلالت‌های خوبی از گزارش قرآنی این حادثه

برای دفاع از نظام جمهوری اسلامی ایران و مقابله با دشمنان مستکبر انقلاب اسلامی به سرکردگی آمریکا در عصر حاضر برگرفت.

منابع:

- پوستین‌چی، زهره و ابراهیم متقی (۱۳۹۳) (الف)، ایران در نگرش اتاق‌های فکر آمریکایی، تهران: نشر میزان.
- _____ (۱۳۹۳) (ب)، ایران در نگرش نخبگان نهادهای اجتماعی و ساختار سیاسی آمریکا، تهران: نشر میزان.
- سعیدی فاضل، روح الله و مرتضی طاهری (۱۳۹۵)، خشونت بدون مرز بررسی تفصیلی مداخلات ایالت متحده آمریکا در جهان، قم: دفتر نشر معارف.
- سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۴۰۸)، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ۴ جلد، چ ۲، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- صلح میرزایی، سعید (۱۴۰۰) جهاد تبیین در اندیشه حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، چ ۳، تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، ۲۰ جلد، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۷۱)، الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید، چ ۵، قم: انتشارات بیدار.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸)، تفسیر نور، ۱۰ جلد، چ ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

- کمیسیون تدوین امنیت ملی آمریکا (۱۳۸۳)، استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱، ترجمه جلال دهمشکی، بابک فرهنگی و ابولقاسم راه چمنی، چ ۴، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- نقاشیان، حمید رضا (۱۳۹۸)، سر مقاله صبح اقتصاد، ش ۱.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (بی‌تا)، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، جمعی از محققان، ۲۱ جلد، قم: بوستان کتاب.
 - Bernard Claverie, François Du Cluzel. “Cognitive Warfare”: The Advent of the Concept of “Cognitics” in the Field of Warfare, NATO Collaboration Support Office, 978-92-837-2392-9. fihal-03635889
 - Bernard Claverie; Baptiste Pré bot; Norbou Buchler; François du Cluzel, (2022) Cognitive Warfare: The Future of Cognitive Dominance, NATO Collaboration Support Office, 978-92-837-2392-9. fihal-03635889
 - Ledeen, Michael (2008), Iran, Hezbollah, and threat to the U.S. Homeland, Washington Institute for Near Est policy.
 - <https://farsi.khamenei.ir/>

